

## بررسی نقش حوزه علمیه در تمدن اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (دام ظلّه)

□ نویسنده: حسن علی محمودی<sup>۱</sup>

### چکیده

تمدن از ریشه «مدن» به معنای شهرنشینی و به معنای واقعی کلمه مجموع دست آوردهای بشری است که در طول تاریخ به وجود آمده است؛ تمدن اسلامی در مقابل تمدن غربی علاوه بر پیشرفت های مادی بر پیشرفت های معنوی و اخلاقی نیز اشراف دارد. در تمدن اسلامی قرآن به عنوان محور تمدن از شاخصه های همانند توجه به خدا و معنویت؛ ایستادگی و مقاومت، دانش همراه با معنویت برخوردار است. دربیانات مقام معظم رهبری در موارد متعددی به تمدن نوین اسلامی اشاره شده است؛ به عوامل تمدن ساز و شاخصه آن گوشزد شده است. معظم له هدف کلی نظام اسلامی را رسیدن به تمدن نوین اسلامی میدانند، و نقش حوزه های علمیه به ویژه حوزه علمیه قم را در این راستا به عنوان حوزه پیشرو و سرآمد نقش کلیدی میدانند. از آنجاییکه مکتب حیات بخش اسلام مکتب تمدن ساز است، و نقطه آغازین این تمدن با بعثت رسول گرامی اسلام شکل گرفت، و کم کم به همه جوامع بشری گسترش یافت. به گفته دانشمندان غربی مکتب اسلام سرچشمه تمدن هاست. و تمدن غربی مدیون تمدن اسلامی است. برای تثبیت این مدعا نویسنده در این مقاله به عوامل تمدن ساز مکتب اسلام اشاره و تمدن اسلامی را از نگاه مقام معظم رهبری و نقش کلیدی حوزه علمیه را در این تمدن به رشته نگارش آورده است.

**واژگان کلیدی:** تمدن، اسلامی، قرآن، جامعیت، حوزه علمیه، عناصر، عوامل، شاخصه ها.

---

<sup>۱</sup> - فارغ التحصیل سطح چهارم مجتمع آموزش عالی فقه : Mahmodi23sia@yahoo.com

## مقدمه

دردنیای کنونی آنچه از تمدن چشم گیر است و برسر زبان ها است تمدن غربی است که بعد از دوره رنساس و ظهور انقلاب صنعتی، به وجود آمد. که در این دوره جوامع غربی و کشورهای همسو با آنان به پیشرفت هایی رسیدند، این را نمیتوان انکار کرد که در تمدن غربی پیشرفت های اقتصادی، تکنولوژی، اختراعات و اکتشافات به چشم میخورد و عده قابل توجهی را شگفت زده و سرسپرده به آن نموده است. اما از آن چیزی که دنیای غرب رنج میبرند و برخی دانشمندان شان اظهار میکنند دور ماندن تمدن غربی از اخلاق، معنویت و انسانیت است. به همین دلیل تمدن غربی باعث شده است که دولت های استعماری به خاطر منافع شان مسایل اخلاقی را زیر پا بگذارند و توحش گری و تجاوزگری را با استفاده از وسایل مدرن روز علیه بشریت را مجاز بشمارند و آزادی بی قید و بند را تا جایی که علیه منافع شان نباشد مجاز شمرده و آن را جزء تمدن بدانند. در مقابل تمدن غربی بر اساس جهان بینی اسلامی تمدن اسلامی وجود دارد که چشم انداز خط کلی نظام حکومت اسلامی در جمهوری اسلامی ایران از نگاه مقام معظم رهبری است. تمدن مورد نظرایشان دربرگیرنده معنویت و اخلاق است، و از اصول انسانی بر محوریت قرآن استوار است. باتکیه به آیات و روایات و شاخصه های تمدن ساز در منابع اسلامی که به آنان ترغیب و تشویق شده است؛ میشود به تمدن نوین اسلامی دست پیدا کرد. در تمدن نوین اسلامی توجه به خدا و معنویت و رعایت اصول انسانی و اسلامی در همه ابعاد تمدن اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، و استفاده درست از طبیعت مورد توجه قرار گرفته است. نه همانند تمدن غربی که تنها جنبه های مادی را در نظر داشته و از اخلاق و معنویت بدورند. در این نوشتار باتکیه به سخنان مقام معظم رهبری منظومه فکری ایشان را در راستای تمدن نوین اسلامی با محوریت قرآن و عناصر تمدن ساز در متون اسلامی مورد کند و کار قرار خواهیم داد.

## معنا و مفهوم تمدن اسلامی

تمدن در فرهنگ واژگانی به معنای شهرنشینی آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۸: ۴/ ۶۱۰۹) به عبارت دیگر: تمدن از ریشه «مدن» گرفته شده و معنای آن پذیرش مدنیت، شهرنشینی، خو

گرفتن به آداب و اخلاق شهریان، پذیرش شهر و قانون و سایر شئون اجتماعی و همکاری افراد اجتماع با یکدیگر در امور مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. (همان، ۶۱۰۸)

ویل دورانت، تمدن را چنین تعریف می‌کند: «تمدن به شکل کلی آن عبارت از نظامی اجتماعی است که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند در تمدن چهار رکن و عنصر اساسی وجود دارد که عبارتند از: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر، ظهور تمدن هنگامی امکان پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد. چه فقط هنگام از بین رفتن ترس است که کنجکاوی و احتیاط به ابداع و اختراع به کار می‌افتد و انسان خود را تسلیم غریزه ای می‌کند که او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق می‌دهد». (ویل دورانت، ۱۳۷۲: ۳/۱)

ابن خلدون از دانشمندان بزرگ اسلامی، اجتماع و تعاون، وجود دولت و قانون و نظم را از ارکان مهم تمدن دانسته است. (ابن خلدون، ۱۹۹۶: ۲۱۷-۲۱۸)

در واقع تمدن مجموعه ای از دستاوردهای بشری است که در طول تاریخ به جود آمده و از عناصر مختلف تشکیل شده و به وسیله ارکان متعددی پایدار و رونق پذیر است مهم ترین ارکان تمدن عبارت است از: علم و فرهنگ، نظم، امنیت و تعاون و همکاری (وحدت) علم، مهمترین اساس تمدن است که انسان به تلقی و تولید آن مبادرت نموده، انسان طبعاً مدنی و تمدن آفرین بوده و ترقی و پیشرفت تمدن مرهون علم اوست و عوامل مادی و معنوی تمدن به محور علم استوار است.

### تمدن اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای تمدن اسلامی را این چنین تعریف میکنند: «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی میتواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای

اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.» (خامنه ای، ۱۳۹۷: ۲۰)  
از منظر ایشان تمدن اسلامی دارای دوبعد (بعد مادی و معنوی) است؛ چنانکه دریاناتی فرموده اند:

«شاخصه‌ی اصلی و عمومی این تمدن [اسلامی]، بهره‌مندی انسانها از همه‌ی ظرفیتهای مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است.» (شهسواری، ۱۳۹۷: ۲۹۰)

در معنا و مفهوم لغوی تمدن به معنای نوشتن و جدید شدن و پیشرفت نمودن اختلافی نیست. آنچه مهم است تفسیری از تمدن و پیشرفت براساس جهان بینی است. تمدن اسلامی که از جهان بینی اسلامی سرچشمه میگیرد از همین نگاه تفسیر میشود. چنانکه دریانات مقام معظم رهبری در همایش بین المللی یکصدمین سالگشت باز تأسیس حوزه علمیه قم به عنوان حوزه پیشرو و سرآمد چنین آمده است:

«تمدن اسلامی، مبتنی بر توحید و ابعاد اجتماعی و فردی و معنوی آن است؛ مبتنی بر تکریم انسان از جهت انسانیت و نه از جهت جنس و رنگ و زبان و قومیت و جغرافیا است؛ متکی بر عدالت و حوزه پیشرو و سرآمد ابعاد و مصادیق آن است؛ متکی بر آزادی انسان در عرصه‌های گوناگون است.» (بیانات مقام معظم رهبری در یکصدمین سالگرد تأسیس حوزه علمیه قم، اردیبهشت ۱۴۰۴)

بدون تردید تفسیر و برداشت از پیشرفت و انحطاط جامعه بستگی به نوع جهان بینی آن جامعه دارد. چون جهان بینی دوتا است (مادی و الهی) تفسیرها از انحطاط و پیشرفت به دو صورت ذیل خواهد بود:

**الف:** براساس جهان بینی مادی (آنانیکه بینش مادی دارند) پیشرفت علمی را به پیشرفت های علوم مادی و صنعتی و از نظر اقتصاد به پیشرفت اقتصادی و رفاهی و از نظر سیاسی به سیاست بازی و مغلوب ساختن طرف مقابل می‌داند باهر شیوه که ممکن باشد، پیشرفت سیاسی آنگاه است که دست برتر و بالاتر را داشته باشد همانگونه که قرآن وقتی به دیدگاه آل فرعون درین زمینه اشاره می‌کند گفته آنان را چنین نقل میکند: «**قَد افلح الیوم من استعلی**» (هرکه اهل استعلا و برتری طلبی بود به فلاح و رستگاری می‌رسد). (طه/ ۶۴)

طبق این دیدگاه جامعه متمدن جامعه‌ی است که دارای اقتصاد برتر و صنعت بهتر و رفاهی بیشتر و قدرت نظامی و سیاسی بالاتر باشد. در این دیدگاه برای متمدن شدن به اخلاق، عرفان، معنویت و چگونگی روابط انسانها با یکدیگر و در رابطه فرد با خدا و خودش و طبیعت پرداخته نمی‌شود.

ب: براساس جهان بینی الهی و اسلامی پیشرفت و تمدن منحصر به پیشرفت های مادی نیست، بلکه پیشرفت معنوی و الهی نیز مورد توجه است؛ طبق این دیدگاه جامعه متمدن اسلامی جامعه‌ی است که در علوم مادی و معنوی دست برتر و بالاتر را داشته باشد. بنابراین جامعه متمدن اسلامی وقتی عینیت پیدا می‌کند که روابط چهارگانه انسان (رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با خودش، رابطه انسان با دیگران و رابطه انسان با طبیعت) از بهترین اصول انسانی و اسلامی برخوردار باشد؛ که در این صورت اخلاق، عرفان معنویات، و روابط اجتماعی و خوانوادگی در بالاترین درجه تکاملی اش می‌تواند دست پیدا کند. بنابراین تمدن اسلامی وقتی محقق می‌شود که یک تحولی فراگیر و همه جانبه در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی بسوی صعود و بالارفتن در جامعه نهادینه شود.

### قرآن محور تمدن اسلامی

مبنا و محور تمدن اسلامی قرآن است؛ چراکه! براساس تاریخ جهان اسلام؛ تحول و دگرگونی در صدر اسلام توسط رهبری نبی مکرم اسلام (ص) به وجود آمد. آن حضرت در پرتو تعلیمات اسلامی و با اتکاء به راهنمایی و دستورات قرآن از یک مشیت عرب جاهلی جامعه متمدن اسلامی ساخت؛ که تا چندین قرن الگو و پیشتاز علم و معرفت و تمدن بشریت بود. در همین راستا دانشمندان غربی به پیشرو بودن دین مقدس اسلام و تمدن سازی قرآن اعتراف نموده که به برخی آنان اشاره میشود.

از جمله دانشمندان غربی «ویل دورانت» مورخ و فیلسوف معروف آمریکایی در کتاب تاریخ تمدن خود می‌نویسد: «قرآن در جان های ساده و بی آرایش، عقایدی آسان و دور از ابهام پدید می‌آورد که از رسوم تشریفات ناروا دور است و از قید مراسم بت پرستی و کاهنی آزاد.

ترقی اخلاق و فرهنگ مسلمین به برکت آن انجام گرفته و اصول نظم اجتماعی و وحدت جمعی را در میان آنان استوار ساخته است. سپس می افزاید: عقول آنان را از بسیاری از اوهام و خرافات و ظلم و خشونت رهایی بخشیده و مردم زبون را از حرمت و عزت نفس برخوردار ساخته و در جامعه مسلمین چنان اعتدال و تقوایی به وجود آورده که در هیچیک از مناطق جهان که قلمرو انسان سفیدپوست بوده است، نظیر نداشت» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۷/ ۷۱۸)

### جامعیت و فراگیر بودن تمدن اسلامی

تمدن اسلامی نه تنها جاهلیت عرب را به اوج عزت و تکامل و پیشرفت سوق داد بلکه دنیای غرب را نیز این تمدن مستفید ساخت. ابن اثیر در الکامل فی التاریخ می نویسد: «مسلمانان در دوره حکومت خود در اسپانیا در نشر تمدن اسلامی کوشیدند، و تمدنی درخشان با شهرهای معمور و کشاورزی و صنایع منظم و معماری پرشکوه که نمونه آن قصر الحمراء در غرناطه است بوجود آوردند و بدین وسیله تمدن اسلامی و قسمت مهمی از علم و ادب یونان از طریق اسپانیا به اروپای غربی انتقال یافت.» (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۱۵/۲۶) دانشمندانی چون ابن رشد و موسی بن میمون سهم عمده ای در نشأت فلسفه مدرسی مسیحی داشتند. (همان) حضرت آیت الله خامنه ای در این رابطه میگوید: «تمدن اسلامی البتّه تمدن يك ملت یا نژاد خاص نیست. در واقع با پیدایش اسلام و استقبال سریع و گسترده از آن در میان اقوام و ملل گوناگون و جلب و جذب فرهنگهای گوناگون بشری به آن، بنای مستحکم و عظیمی از فرهنگ و تمدن انسانی پایه گذاری شد که در ایجاد آن ملل و نژادهای مختلفی سهیم بودند. این تمدن بیش از همه ی تمدنهای به علم و دانش اهمیت داده و کهن ترین دانشگاه های جهان را پدید آورده است و با تلفیق علوم گوناگون و افزودن بر آنها، میراث عظیم و تکامل یافته ای را تحویل بشریت داد.» (شهسواری، ۱۳۹۷: ۲۸۹)

ویل دورانت تاریخ نگار امریکایی، در کتاب تاریخ تمدن؛ یادآور می شود که «تنها در دورانهای طلایی تاریخ بوده است که جامعه ای می توانسته مانند اسلام، در مدتی به همین کوتاهی (چهار قرن فاصله هارون الرشید با ابن رشد) این همه مردان معروف در زمینه

حکومت، تعلیم، ادبیات، لغت شناسی، جغرافیا، تاریخ، ریاضیات، نجوم، شیمی، فلسفه، و پزشکی به وجود آورد.» (ویل دورانت، ۱۳۳۷: ۴/۴۳۸)

دانشمند دیگر غربی بنام ولتر فیلسوف و تاریخ نگار فرانسوی میگوید: «در دوران توحش و نادانی، پس از سقوط امپراطوری روم، مسیحیان همه چیز را، مانند هیئت، شیمی، طب، ریاضیات و غیره، از مسلمانان آموختند و از همان قرون اولیه هجری ناگزیر شدند برای گرفتن علوم متداوله آن روزگار به سوی آنان روی آورند.» (حدیدی، ۱۳۷۴: ۸۷)

پروفسور گیب استاد زبان عربی در دانشگاه لندن در مقاله‌ای که تحت عنوان «نفوذ ادبیات اسلامی در اروپا» چنین می‌نویسد: هنگامی که به گذشته نظر افکنیم می‌بینیم علوم و ادبیات شرق به منزله خمیر مایه‌ای (برای تمدن غرب) بود، به طوری که نفوذ روحیات و افکار «شرق» روح تاریخ مردم قرون گذشته «غرب» را روشن ساخته، و آنها را به جهان وسیعتری هدایت کرده است.» (سرتماس آرنولد، ۱۳۲۵: ۸۱)

بگفته سرتوماس آرنولد عضو فرهنگستان بریتانیا: «مسلمین دامنه استعدادشان وسیع بود، چنان که می‌بینیم در قسمتهایی که موانع مذهبی در کار نبود استعداد بی‌نظیر و عجیبی از خود آشکار می‌ساختند، به طوری که در قرون وسطی هیچ کس به پای آنها نمی‌رسید. اسلام وارث مستقیم صنایع قدیمی فراوانی است که ابداً در مغرب شناخته نمی‌شد. صنعت گران اسلامی دائماً صنایع خود را ترقی داده و در اغلب نقاط منتشر می‌ساختند، این هنرها تا آن روز به اروپا نیامده بود، و اگر هم در قدیم شناخته می‌شد در نتیجه شکستها و فشارهای قرون وسطی از بین رفته بود ... نقوش اشیائی که مسلمانان می‌ساختند به قدری با مهارت و تردستی ترسیم شده که گاهی انسان گمان می‌کند این اشیاء ورای ساختمان خود، روح اسرارآمیزی دارند!» (همان)

آری! تمدن اسلامی تنها در بُعد مادی و پیش‌تاز بودن علم و فن آوری منحصر نمی‌شود. توجه به بُعد معنوی انسان و رساندن آن به سرحد تکامل و انسان کامل از شاخصه‌های اصلی و مهم تمدن اسلامی است. از اینکه دین اسلام دین جامعی است هدایت هایش در مورد انسان بعد مادی و معنوی هردورا تحت نظر دارد از این رو تمدن اسلامی از یک جامعیت برخوردار است که تمدن‌های دیگر دنیای بشریت همانند تمدن غربی این جامعیت را ندارد، چون

براساس جهان بینی مادی تک بعدی مسیرش را می‌پیماید. اما تمدن اسلامی بعد مادی و معنوی انسانها هردورا فرامیگیرد. به همین دلیل تمدن اسلامی وقتی محقق میشود که در هر دو بعد انسانها و جامعه در حد یک جامعه متمدن رسیده باشد. برای اینکه با جامعه متمدن اسلامی بهتر و بیشتر آشناشویم در این نوشتار بارویکرد نظرات مقام معظم رهبری در رابطه با تمدن نوین اسلامی و نقش حوزه های علمیه به ویژه نقش حوزه علمیه قم به عنوان حوزه پیشرو و سرآمد، در این راستا به بحث و بررسی می‌نشینیم.

### خط کلی نظام اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری

حضرت آیت الله خامنه ای در یکی از سخنانش نسبت به تمدن اسلامی چنین اظهار نظر می‌کند: «وقتی که تمدن اسلامی آمد، چنین شد. این يك واقعیت است که همه چیز اروپا در مقابل تمدن اسلامی رنگ باخت و این تا قرنهای چهارم و پنجم و ششم هجری هم ادامه داشت....»<sup>۱</sup> (بیانات معظم له مورخه: ۱۳۷۳/۶/۲۹: ج ۱۶/ ص ۲۱).

معظم له در ادامه سخنانش می‌فرماید:

«مطلب اول این است که خط کلی نظام اسلامی چیست؟ اگر بخواهیم پاسخ این سؤال را در يك جمله ادا کنیم، خواهیم گفت خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است.» (خامنه ای، بیانات: ج ۲۲/ ص ۲۵)

### شاخصه های مهم تمدن اسلامی در سخنان رهبری

اینکه تمدن اسلامی مورد نظر رهبری از چه شاخصه های برخوردار است؟ و چه شاخصه های باید داشته باشد؟ ایشان در بیانات متعددی در موارد مختلف به آن اشاره نموده است که به برخی شاخصه های که در بیانات ایشان آمده است در این نوشتار به حد وسع و گنجایش این مقاله مورد توجه قرار میگیرد.

ایشان رسیدن به تمدن نوین اسلامی را هدف اصلی و خط کلی نظام اسلامی میدانند. براساس منظومه فکری ایشان تمدن اسلامی دارای شاخصه های است که رسیدن به آن بدون

<sup>۱</sup> - بیانات ج ۱۶، ص ۲۱، مورخه (۱۳۷۳/۶/۲۹) در دیدار فرماندهان رده های مختلف سپاه پاسداران.

توجه به آن شاخصه‌ها امکان پذیر نمی‌باشد. حال شاخصه‌های مورد نظرایشان چیست؟  
در ادامه پی میگیریم.

### الف) توجّه به خدا و معنویت

مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در یکی از شاخصه‌های مهمی تمدن اسلامی و پیشرفت آن را توجه به خدا و معنویت میداند لذا می‌فرماید: «توجّه به خدا و توجّه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدّنی (تمدن اسلامی) شد، و الا با انگیزه‌ها و تلاشهای مادی، چنین تمدّن ماندگاری به وجود نمی‌آمد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۸)

### ب) جوهر ایستادگی و مقاومت

مقام معظم رهبری (دام ظلّه)، می‌فرماید: «جوهر ایستادگی و مقاومت در يك ملت، جوهر نفیس و گرانقدری است. با همین جوهر است که ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی‌الله الاعظم (أرواحنا فداه) خواهد توانست تمدّن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدّن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده‌ی قطعی شماسست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند.» (در دیدار ایثارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی، ۱۳۷۶/۰۵/۲۹) ایستادگی و صبر و اعتماد به وعده‌ی: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج/ ۴۰) خواهد توانست این مسیر افتخار را تا رسیدن به قلّه‌ی تمدّن اسلامی، در برابر امت اسلامی هموار کند. (خامنه‌ای، در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی تهران، سالن اجلاس سران، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹)

### ج) دانش همراه با معنویت

مقام معظم رهبری در یکی از بیاناتش می‌فرماید: «ما در تمدّن اسلامی و در نظام مقدّس جمهوری اسلامی که به سمت آن تمدّن حرکت میکند، این را هدف گرفته‌ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۸)

از مهمترین وعده ترین تفاوت تمدن غربی باتمدن اسلامی مسئله معنویت ودانش بدون معنویت است که امروزه درجهان بشریت به اوج حودرسیده و باپیشرفت علوم دولت ها وعده زیادی ازملت ها از انسانیت، اخلاق، عدالت، دورشده اند، بابتی رحمی حقوق انسان های ضعیف وملت های بی دفاع و دولت های ضعیف پامال میشود، وسازمان حقوق بشر به نهاد بی خاصیت و درخدمت قلدرهای جهان قرار گرفته است. این یکی از معضلات جامعه بشری کنونی است که درسرخنان مقام معظم رهبری دریان تفاوت های تمدن غربی باتمدن اسلامی جلوه خاصی دارد.

### تفاوت تمدن اسلامی با تمدن غربی درسرخنان آیت الله خامنه ای

تمدن غربی بعد از رنساس و انقلاب صنعتی در اروپا به وجودآمد، این تمدن درعلوم مادی دربخش اختراعات واكتشافات به پیشرفتهای نایل آمد وآنچه ناکارآمدی این تمدن را برجسته میسازد تمدن به دور از اخلاق ومعنویت است که امروزه غربیهای از این وضعیت رنج می- برند. مقام معظم رهبری درابطه باتمدن غربی چنین می فرماید: «تمدن غربی بر پایه ی ستیز با معنویت و طرد معنویت بنا شد؛ این خطای بزرگ کسانی بود که تمدن و حرکت علمی و صنعتی را در اروپا شروع کردند.» (بیانات درمراسم پانزدهمین سالگردحلت امام خمینی(ره) ۱۳۸۳/۳/۱۴) بنابراین تمدن منظومه فکری مقام معظم رهبری براساس بینش اسلامی تمدنی مورد نظر است که باوجود پیشرفت های علمی مادی پیشرفت های در بعد معنوی، اخلاق، انسانیت به بالاترین سطح خود قرارگیرد و درحال رشد و توسعه و پیشروباشد. و اگر در این بخش عقب بمانیم و کاری صورت نگیرد به فرموده ایشان: «نتیجه همان چیزی می شود که شما امروز در جوامع پیشرفته ی غربی دارید مشاهده می کنید. هرچه پیشرفت بیشتر است، دوری از صلاح و انسانیت و عدالت هم بیشتر است.» (خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۲۶، صفحه: ۱۱، دردیدارطلاب و اساتید مدرسه علمیه آیت الله مجتهدی ۱۳۸۳/۳/۲۱).

### نقش حوزه های علمیه در تمدن اسلامی

بدون تردید حوزه های علمیه برای رسیدن به تمدن اسلامی میتواند نقش کلیدی داشته باشد؛ چراکه شاخصه های که مقام معظم رهبری برای رسیدن به تمدن اسلامی را بیان نموده گرچه

همه نهادها در این زمینه به اندازه وسع و توان و حوزه کاری خودشان مسئولیت دارند. اما از آنجایی که تربیت افراد عالم همراه بامعنویت؛ و مبلغان آماده و همگام با پیشرفت های عصرکنونی از وظیفه اصلی حوزه های علمیه است و از یک نگاه بدون تعارف حوزه های علمیه پیش آهنگان تعلیم و تربیت است؛ به همین دلیل در احیاء و رسیدن به تمدن نوین اسلامی می تواند نقش محوری و کلیدی داشته باشد.

امروزه القآت دشمنان و شبهه افگنی های که نسل جوان امروز را نشانه گرفته تاجوانان را از اسلام روی گردان و به بیدینی بکشاند بیش از پیش خطرآفرین است، از این روحوزه های علمیه و حوزه پیشرو و سرآمد قم یکی از کارهای مهمش تربیت افرادی است که در مقابل چنین القآت و شبهاتی با علم و آگاهی بایستد و برای زدودن و رفع شبهات از ذهن نسل جوان امروز تلاش نماید با پاسخ های آگاهی بخش و مستدل و اقناع آورجوانان را به اسلام و قرآن دلگرم و امید بریک آینده روشن و رسیدن به تمدن نوین اسلامی سوق دهد.

توجه به خدا و معنویت، جوهر ایستادگی و مقاومت، و دانش همراه بامعنویت، طبق نظر آیت الله خامنه ای از شاخصه های مهم رسیدن به تمدن اسلامی است. حوزه پیشرو و سرآمد می تواند با تربیت چنین مبلغانی این سه عنصر و شاخصه تمدن اسلامی را در جامعه نهادینه سازد.

حضرت آقا درسخانی در یکصدمین همایش بین المللی سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم در این راستا چنین فرموده است: «جای دو عنصر کلیدی برای این بخش در حوزه خالی است: «تعلیم» و «تهذیب.»»

رساندن پیامی که به روز و پرکنندهی خلأ و برآورندهی هدف دین باشد، حتماً نیازمند آموزش و فراگیری است. دستگاهی باید متصدی این مأموریت شود و قدرت اقناع، آشنایی باشیوهی گفتگو، آگاهی از نوع تعامل با افکار عمومی و فضای رسانه ای و مجازی، انضباط در مواجهه با عنصر مخالف را به طلبه بیاموزد و با تمرین و ممارست، در دوره ای محدود، او را آماده ی ورود به این میدان کند. از سویی با استفاده از ابزارهای فنی روز، تازه ترین و شایع ترین القائات و آفتهای فکری و اخلاقی را گردآوری و بهترین و رساترین و قوی ترین پاسخ را در قالب ادبیات متناسب با زمان برای آن فراهم کند، و از سوی دیگر

لازم ترین دانستنی های دینی متناسب با وضع فرهنگی و فکری روز را به صورت بسته های مناسب اندیشه و فرهنگ نسل جوان و نوجوان و خانواده هاتدوین نماید. این مجموعه ی شکلی و محتوایی، مهم ترین موضوع تعلیم در این بخش است.» (پیام حضرت آیت الله العظمی خامنه ای به همایش بین المللی یکصدمین سالگشت باز تأسیس حوزه ی علمیه قم اردیبهشت ۱۴۰۴، حوزه پیشرو و سرآمد ص، ۲۸-۲۹)

برای روشن شدن نقش حوزه های علمیه در رسیدن به تمدن اسلامی ابتدا لازم است نگاهی به عناصر سازنده هر تمدن داشته باشیم. و آنگاه با توجه به عناصر تمدن ساز مکتب اسلام، نقش حوزه های علمیه را در تبیین و گسترش آن جویا شویم. و به این سوال پاسخ دهیم که آیا حوزه های علمیه میتواند باتریت مبلغان به روز وآگاه و پرتلاش نقشی در تمدن نوین اسلامی داشته باشد یا خیر؟

### عناصر تمدن سازازنگاه دانشمندان

اندیشمندان در این که تمدن از چه عناصری شکل می گیرد، دیدگاههای مختلفی را مطرح نموده اند به عنوان نمونه:

ابن خلدون، جامعه شناس مسلمان، هفت عامل را در ساخت يك تمدن سهیم می داند که عبارتند از دولت و رهبر، قانون (دینی یا عرفی)، اخلاق، کار، صنعت، جمعیت و ثروت. از دیدگاه وی نه تنها بدون اخلاق و دین، تمدن ممکن نیست و نه تنها برای نظم بخشیدن به جامعه و بقا يك تمدن و پیشرفت آن به دین و اخلاق نیاز هست، بلکه برای بهتر زیستن، دستورات اخلاقی را باید بکار بست. (رادمنش، کلیات عقاید ابن خلدون درباره فلسفه تاریخ و تمدن، ۱۳۵۷: ۱۷)

ویل دورانت تاریخ نویس مشهور معتقد است هر تمدن دارای چهار رکن و عنصر اساسی است پیش بینی و احتیاط در امور اقتصادی (عوامل اقتصادی)، سازمان سیاسی (عوامل سیاسی)، سنن اخلاقی (عوامل اخلاقی) و کوشش در راه معرفت و بسط هنر (عوامل عقلی و روحی) (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ۱۳۷۶: ۱/۳-۱۰۸)

آنچه مسلم است این است که نقش علم و دانش و دین در ساختن يك تمدن قابل انکار نیست و علم، دانش، عقلانیت و معرفت دینی و اخلاقی در کنار عناصر دیگر از عناصر سازنده

و جدا نشدنی يك تمدن محسوب می شوند. نقش سازندگی این عناصر در تمدن اسلامی که بر پایه معارف دینی و اسلامی استوار گردیده و تمامی عرصه های زندگی بشر را مورد توجه قرار داده است وجهت گیری زندگی انسان را در ابعاد گوناگون مشخص نموده، آشکار تر می باشد. از این رو نهاد حوزه به عنوان مرکز و کانون علمی و پژوهشی در عرصه معارف دینی و ترسیم علوم مختلف، نقش محوری و اساسی در پویایی و بالندگی این تمدن خواهند داشت.

حوزه به عنوان خاستگاه معارف دینی که هسته محوری تمدن اسلامی را تشکیل می دهد، نقش اساسی در پویایی و بالندگی تمدن اسلامی را دارا می باشد؛ و در تحقق و بالندگی تمدن اسلامی در دو محور نمایان می گردد:

یکی در محور تولید فکر و علم دینی و دیگری در پرورش انسان، در زمینه تولید فکر و علم که از الزامات يك تمدن است، حوزه با تبیین مبانی دینی در ابعاد مختلف می تواند دیدگاه اسلام در مسائل مختلف و جهت گیری دینی حرکت جامعه را در راستای رسیدن به پیشرفت و توسعه مطلوب و پویایی تمدن اسلامی ترسیم نماید.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «نظریه پردازی سیاسی و نظریه پردازی در همه ی جریانهای اداره ی يك ملت و يك کشور در نظام اسلامی به عهده ی علمای دین است. آن کسانی میتوانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند. در زمینه های گوناگون، امروز نیاز وجود دارد هم برای نظام اسلامی، هم در سطح کشور، هم در سطح جهان. تبیین معرفت شناسی اسلام، تفکر اقتصادی و سیاسی اسلام، مفاهیم فقهی و حقوقی ای که پایه های آن تفکر اقتصادی و سیاسی را تشکیل میدهد، نظام تعلیم و تربیت، مفاهیم اخلاقی و معنوی، غیره، غیره، همه ی اینها باید دقیق، علمی، قانع کننده و ناظر به اندیشه های رائج جهان آماده و فراهم شود این کار حوزه هاست. با اجتهاد، این کار عملی است» (پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بیانات معظم له در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۲۹ / ۷ / ۸۹)

بنابراین در زمینه پرورش انسان، حوزه نقش محوری و مهمی در تربیت انسان های متعهد و کارآمد و تاثیر گذار را دارا می باشد. به فرموده مقام معظم رهبری: «در آن جایی که فکر و انسان باید تولید شود، ببینید نقش آفرینان چه کسانی هستند. بدون شك مدیران جامعه، سیاستمداران، متفکران و روشنفکران هر کدام به نحوی می توانند در خور استعداد خود نقش آفرینی کنند.... اما در تربیت انسان نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می کنند، يك نقش یگانه است نقش منحصر به فرد است.» (بیانات مقام معظم رهبری در جمع اساتید حوزه علمیه قم ۱۴/۷/۷۹)

تاکید های فراوان مقام معظم رهبری بر مقوله اسلامی شدن علوم انسانی و جنبش نرم افزاری و تولید علم و مباحث آزاد اندیشی در راستای ایجاد يك تمدن اسلامی قابل ارزیابی است، زیرا مسئله اساسی در شکل گیری يك تمدن، بنا کردن بنیان های علمی آن است. و این بنیان ها باید بر اساس فرهنگ اسلامی و آموزه های دینی شکل بگیرد تا بتواند زمینه ساز پویایی و تمدن اسلامی گردد. بنابراین حوزه های علمیه به ویژه حوزه علمیه قم به عنوان حوزه پیشرو سرآمد در تربیت و تعلیم چنین افرادی که بتواند در هرشرایطی و درهرزمانی باینش علمی کاربردی پاسخگوی نیازمندی های جامعه اسلامی باشد نقش موثری می تواند داشته باشد.

### عوامل تمدن ساز در مکتب اسلام

با مرور در منابع اسلامی بامحوریت قرآن کریم به دست می آید که مکتب اسلام به فراگیری عوامل تمدن ساز پیروانش را ترغیب و تشویق نموده و حتی به صورت دستور در برخی موارد الزام نموده و توجه ویژه ای از خود به نمایش گذاشته است. نظر به گنجایش این نوشتار به مواردی از عوامل تمدن ساز به صورت گذرا اشاره میشود.

#### الف) تشویق اسلام به علم آموزی

بدون تردید یکی از عوامل تمدن ساز در جامعه بشریت علم و دانش است بدون علم و دانش رسیدن به تمدن غیر ممکن می نماید، همه جوامع بشریت به ضرورت و اهمیت و ارزش علم برای پیشرفت و ترقی پی برده است. آموختن و فراگیری علم را در رشته های مختلف مورد نیاز جامعه را می پسندند و دانش و علم آموزان را مورد تحسین و توجه قرار میدهند، اما دین

مقدس اسلام علم آموزی را نه تنها ستایش نموده و مورد تحسین قرار میدهد بلکه علم آموزی را برای مرد و زن واجب میدانند، نه تنها علوم دینی را که از افضلیت خاصی برخوردار است نظربه موضوعی که دارد، بلکه آموختن همه علوم مورد نیاز جامعه را واجب کفایی میدانند. به عنوان نمونه به برخی آیات و روایات که در این راستا در منابع اسلامی وجود دارد اشاره میشود:

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ؛ آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟» تنها خردمندانند که پند پذیرند. (زمر/ ۹)

«يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ؛ خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات بلند گرداند، و خدا به آنچه می کنید آگاه است.» (مجادله/ ۱۱)

قال رسول الله (ص) «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛ آموختن علم بر هر زن و مرد مسلمان واجب است.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/ ۱۷۷)

قَالَ عَلِيٌّ (ع): «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ؛ دانش بجوید هرچند درچین باشد.» (امام صادق (ع)، ۱۴۰۰: ۱/ ۱۳)؛ شاید اسم بردن از چین بخاطر این باشد که در آن زمان چین از دورترین نقاط به حساب می آمده. بنابراین مفهوم حدیث این میشود که علم آموزی اگر سفر طولانی و سختی را بدنبال داشته بازهم نباید درنگ کرد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): «الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُمَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ ضَالَّتَهُ فَلْيَأْخُذْهَا؛ حکمت (علم و دانش) گم شده مؤمن است پس در هر کجا آن را یافتید فراگیرید.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸/ ۱۶۷)

## ب) همکاری و تعاون

در تمامی جوامع انسان ها برای رسیدن به پیشرفت و ترقی نیازمند به یکدیگر بوده وهستند. در واقع انجام برخی از کارها یا به صورت فردی امکان پذیر نیست و یا مستلزم صرف وقت و هزینه زیادی است که در نهایت هم نتایج حاصل از آن با نتایج کار جمعی و گروهی قابل مقایسه نخواهد بود. این ملزومات نشان دهنده این مهم است که انسان در ذات و فطرت

خود موجودی اجتماعی است و اغلب نیازهایش در قالب اجتماع مرتفع می گردد و بدون شک برای ادامه حیات و رسیدن به قله های هدف به تعاون و همکاری در کارها با دیگر هم نوعان خود نیاز دارد.

فعالیت جمعی چنان اهمیتی دارد که حضرت محمد(ص) آن را مایه رحمت می خواند و می فرماید: «الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَ الْفُرْقَةُ عَذَابٌ؛ جماعت، مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است.» (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۳۳)

قرآن کریم بر همکاری و تعاون دستور داده میفرماید: «تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید، و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است.» (مائده/ ۲)

آنچه درآیه فوق قابل توجه است اینکه همکاری و تعاون باید برپایه تقوی و پرهیزگاری و برای کارهای خوب و نیکی بر مردم استوار باشد نه برگناه و تعدی بردیگران. چنانکه دردنیای امروز قدرت های استعماری همکاری شان بر ظلم و عدوان و به بند کشیدن مستضعفان پایه گذاری شده است. روشن است چنین همکاری سقوط انسانیت و انحطاط اخلاقی است.

اگر همکاری و تعاون به فرموده قرآن برپایه تقوی و اعمال نیک استوار شد بدون تردید از مزایای آن جامعه مستفید شده و آثاری همچون هم فکری و تقویت اندیشه ها، ایده های قوی و آرای محکم تولید می شود. با کار گروهی، انگیزه انسان در جمع تشدید و تقویت می شود. مشاهده حرکت و عمل دیگران ما را به تحرک و عمل وا می دارد. کار گروهی موجب رشد قدرت فکری و عملی اعضا می شود. در گروه، افراد از یکدیگر کار می آموزند و به سرعت و سهولت بیشتری نیروی انسانی پدید می آید. این امر بدون تردید موجب پیشرفت و تمدن میشود. براساس قرآن کریم و منابع اسلامی همکاری و تعاون یکی از عناصر مهمی تمدن ساز به حساب می آید. قرآن کریم همکاری و تعاون را نه تنها نیکو شمرده است بلکه به آن دستور داده است.

### ج) نظم و قانون

دنیای بشریت به نظم و قانون نیازمند است بدون نظم و قانون زندگی بشریت در کنار هم مشکل آفرین و به هرج و مرج می انجامد؛ تاجاییکه زندگی مسالمت آمیزی که خواسته اسلام و قرآن است به خطر می افتد. در چنین جامعه‌ی پیشرفت و ترقی و رسیدن به تمدن به قهقرا می انجامد. از این رو دین مقدس اسلام یکی از عوامل تمدن ساز را نظم و قانون میدانند. به همین دلیل خدای تعالی پیامبرانی را فرستاد و کتابی برای نظم و قانون نازل کرد تا بشریت را نظم دهند و به قانونی که موجب تعالی و پیشرفت شان میشود فراخوانند. نظم و قانون از اهمیت فراوانی برخوردار است. چنانکه علی(ع) نسبت به اهمیت این موضوع به وصیت نامه‌ی که به فرزندانش حسن و حسین نوشته توصیه نموده و میفرماید:

«أَوْصِيكُمْ بِوَلَدِي، وَأَهْلِي، وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ، وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ.»؛ من شما و تمام فرزندانم و خاندانم و کسانی را که این وصیت نامه ام به آنان میرسد به تقوای الهی و نظم در امورات خود توصیه میکنم. (احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ۲/۲۵۵)

انسان بر اساس طبیعتش، استخدامگر و بهره جوست و چون ارتباطش با عالم طبیعت، محسوس و نزدیک است و انشش با عالم فطرت تقریباً دور است، اگر او را بر اساس طبیعتش رها کنند، بر مبنای استخدام دیگران حرکت می کند و هیچ گاه «حد یقف» و نهایی ندارد؛ از آنجایی که انسان نیازهای فراوان دارد و به تنهایی قادر نیست خواسته های خود را تأمین کند، از هر چیز و از هر شخصی بهره می جوید و آنها را به خدمت خود درمی آورد؛ در نظام طبیعت، دستش به هر آب و خاکی که برسد، بهره می گیرد و استفاده بی حد و حصر می کند.

مذمت های که در قرآن کریم از انسان شده است، ناظر به همین طبع سرکش و آثار زیانبار اوست. چنانکه میخوانیم: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً؛ به راستی که انسان سخت آزمند [بی تاب] خلق شده است.» «وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً؛ چون صدمه ای به او رسد عجز و لابه کند.» «وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً؛ و چون خیری به او رسد بخل ورزد.» (معارج، آیات: ۱۹، ۲۰، ۲۱) چنین انسانی، اگر بتواند بر دیگران چیره گردد، تفرعن نموده و ادعای «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى؛ پروردگار بزرگتر شما منم سرمی دهد.» (نازعات/ ۲۴)

بدیهی است که جامعه ای متشکل از انسان هایی این چنینی، اگر دارای نظم و قانونی درست نباشد، تزاحم و درگیری و هرج و مرج و فساد، آن را نابود خواهد ساخت. انسان، آن وقت زندگی ممتاز از حیات گیاهی و حیوانی دارد، که با دیگر انسان ها ارتباط و هماهنگی داشته باشد؛ چه این توافق و ارائه خدمات متقابل، مقتضای طبع اولی او باشد و چه آنکه پذیرش خدمات متقابل و انقیاد در برابر قانون را محصول طبع اولی او ندانیم، بلکه طبع اولی هر فردی را هلوع بودن و دیگران را به خدمت گرفتن و از آنان بهره کشی رایگان کردن بدانیم و خضوع او در برابر قانون را، بر اساس اضطرار و طبق ضرورت ثانوی تفسیر کنیم.

بنابراین، باید نظامی حاکم باشد تا هیچ کس خود را بر دیگری تحمیل نکند و تنها در سایه این نظم عادلانه است که جامعه شکل می گیرد و حیثیت اجتماعی افراد انسان ظهور می کند و حیات اجتماعی آنان تحقق می یابد و از زندگی حیوانی و نباتی ممتاز می گردد. بدون نظم، هرج و مرج بر جامعه بشری حاکم می گردد و سعادت انسان بر باد می رود. قرآن کریم، کسانی را که میان اندیشه و رفتار و کردار و گفتار آنان هماهنگی نیست و هماهنگ با علم خود حرکت نمی کنند و به لازمه یقینشان ملتزم نمی شوند و گفتارهای گوناگون دارند، افرادی مبتلا به آشفتگی و هرج و مرج معرفی می فرماید: «بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ؛ نه، [بلکه حقیقت را، وقتی برایشان آمد، دروغ خواندند، و آنها در کاری سردرگم [مانده] اند.» (ق/ ۵) روشن است که انسان هایی این گونه و جامعه ای که دچار تعارض درونی و بی نظامی است، هیچ گاه به کمال شایسته خویش نخواهند رسید.

بنابراین «نظم» در جامعه یک ضرورت است از آنجایی که «نظم» بدون «قانون» هرگز محقق نمی شود. پس باید قانونی صحیح و مفید در جامعه حکم فرما شود. قانون صحیح و مفید جامعه، قانونی است که همه جنبه های هستی انسان را مورد توجه قرار دهد. و برای شکوفایی استعداد های انسان، برنامه ریزی درستی در آن شده باشد و چون بشر، گذشته از بدن مادی و حیثیت هلوعش، دارای روح الهی و فطرت توحیدی و «نفس ملهمه» به فجور و تقواست، بی شک علاوه بر کارهای غریزی، دارای ابعاد اخلاقی است و برتر از آن، واجد

جنبه های اعتقادی می باشد. اگر قانونی، فقط جنبه های طبیعی و عملی او را رعایت کند و ابعاد اخلاقی و یا اعتقادی او را نادیده گیرد، چنین قانونی، شایسته جامعه انسانی نیست و نمی تواند انسان ها را به سعادت نهائی برساند.

آنچه متأسفانه در جهان معاصر رایج است، قوانین دست ساخته بشری هستند که بدون تردید کاستی های فراوانی در آن وجود دارد نه تنها جنبه های اعتقادی و اخلاقی در آن رعایت نشده بلکه بر منافع جمعی اندکی قانون گذار و در اختیار استعمارگران قرار گرفته است. و حیات جامعه به دام طبیعت سرکش افتاده است، و جامعه کنونی بشری را به بن بستی بزرگ منتهی ساخته است. تمدن یک جانبه ای اختراعات و اکتشافات و رخت بر بستن اخلاق و انسانیت شاهد گویایی این مدعا است. نویسنده راه چاره را در گسترش و ترویج قانون فراگیر و همه جانبه ی اسلام را رهایی از این بن بست میداند.

#### د) گسترش عدالت اجتماعی

یکی از عوامل تمدن ساز از نگاه مکتب اسلام گسترش عدالت اجتماعی است. خداوند متعال بندگان خویش را به اجرای عدالت همراه با احسان امر کرده است «ان الله یأمر بالعدل والاحسان.» (نحل/ ۹۰) جامعه انسانی که گوشه کوچکی از این عالم پهناور است، نمی تواند از این قانون عالم شمول برکنار باشد و بدون عدل به حیات سالم خود ادامه دهد. در روایات اسلامی از آثار و برکات برپایی عدالت اجتماعی سخن به میان آمده که خود گویایی روشنی است که عدالت اجتماعی و گسترش آن عامل دیگری برای تمدن سازی است. روایاتی که در این راستا آمده به برخی از آنها بسنده میشود.

علی (ع) می فرماید: «العدل یصلح البریه»؛ عدالت مردم را اصلاح میکند. (تمیمی، ۱۴۱۰: ۳۵/۱)

علی (ع): العدل قوام الرعیه؛ عدالت برپادارنده مردم است. (همان، ۴۳)

علی (ع): «ما عمرت البلاد بمثل العدل؛ آبادی شهر ها بستگی به عدالت دارد (بدون عدالت آبادی ممکن نیست)». (نوری، ۱۴۰۸: ۳۲۰/۱۱)

امام کاظم علیه السلام در تفسیر قول خدای تعالی که فرمود: «اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها» می فرماید: «مراد زنده شدن زمین به باران نیست بلکه خداوند مردانی را برمی انگیزد که عدل را احیا کنند آنگاه است که زمین با احیای عدل و اقامه عدل زنده میشود این چنین احیای زمین نافع تراست از احیاء شدن آن با باران. (حویزی، ۱۴۱۵: ۱۷۳/۴) به فرموده امام باقر علیه السلام: اگر در میان مردم عدالت برقرار شود، همه بی نیاز می شوند و از فقر نجات پیدا میکنند (ما اوسع العدل، ان الناس یستغنون اذا عدل علیهم). (نوری، ۱۴۰۸: ۱۲۳/۱۱).

به فرموده مقام معظم رهبری (دام ظلّه) «فوری ترین هدف تشکیل نظام اسلامی استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی برای همین بود که مردم از فشار ظلم، تبعیض و تحمیل نجات یافته در سایه قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه به کمالات انسانی نایل آیند». (پیام مقام معظم رهبری به مناسبت نخستین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹/۳/۱۰).

در تبیین و تفسیر عدالت اجتماعی ایشان فرموده است: «عدالت اجتماعی بدین معنی است که فاصله ژرف میان طبقات و برخورداریهای نابحق و محرومیت ها از میان برود و مستضعفان و پابرهنگان که همواره مطمئن ترین و وفادارترین مدافعان انقلابند احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت حرکتی جدی و صادقانه انجام می گیرد». (پاسدار اسلام، شماره ۹۳، شهریور ۱۳۶۸، سخنان مقام معظم رهبری).

بر این اساس، انگیزه اصلی از مبارزات طولانی و بحق مردم مسلمان و انقلابی ایران و نیز رهبران انقلاب خونبار اسلامی استقرار عدل در جامعه و ایجاد زمینه برپایی قسط و عدل اسلامی برای آحاد افراد آن بوده است.

### هـ) استفاده درست انسان از طبیعت

خدای تعالی طبیعت را مسخر بشر ساخته است و در آن از مواد مورد نیاز بشر نهفته شده است. تابش بتواند باتلاش و زحمات شان از این منابع طبیعی به صورت درست و احسن استفاده نموده و به تمدنی که خواستگاه اسلام و قرآن است برسند.

قرآن کریم منابع طبیعی را از عوامل و عناصر تمدن ساز معرفی نموده و برای رسیدن انسان ها به پیشرفت و ترقی برای استفاده از منابع طبیعی ترغیب و تشویق نموده میفرماید:

«وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ؛ و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن، و همچنانکه خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی دارد.» (قصص/ ۷۷)

در روایات اسلامی دو دید نسبت به دنیا وجود دارد. دنیای ممدوح و خوب و دنیای مذموم و بد. در نتیجه به طور مطلق نمی توان گفت که دنیا بد است، زیرا دنیا مزرعه آخرت (الدنيا مزرعة الآخرة) و راه رسیدن به بهشت و جوار الهی است. حضرت علی (ع) فرمودند: «وَلِنِعَمِ دَارٍ مَنْ لَمْ يَرْضَ بِهَا دَارًا، وَمَحَلٌّ مَنْ لَمْ يُوْطَّنْهَا مُحَلًّا؛ دنیا چه سرای نیکویی است برای کسی که آن را خانه همیشگی خویش نداند و چه جایگاه خوبی است برای کسی که آن را وطن خود قرار ندهد.» (شریف رضی، ۱۴۱۴: کلام ۲۲۳)

اما اگر همین دنیا موجب غفلت از آخرت و خداوند گردد و محبت آن در دل آدمی قرار گیرد فریب خوردن از زر، زور و تزویر را به دنبال دارد. عن ابی عبد الله (ع): «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا؛ حب دنیا رأس هر خطا و اشتباهی می باشد.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/ ۷۶۶)

در تبیین معنای «دنیا» باید گفت دنیای مذموم، «خود» انسان است. انسان «بد» خود دنیا است. آسمان، زمین، درخت، کوه، صحرا و دریا هیچ کدام دنیا نیست. این ها از «آیات الهی» اند و خدای سبحان از همه آنها با تجلیل یاد کرده است. در قرآن مجید و روایات اهل بیت (ع) هرگز از آسمان و اختران به بدی یاد نشده، و از زمین، کوه ها، معادن دل زمین، دریا و موجودات دریایی بدگویی نشده است، این ها دنیا نیستند.

«دنیا» که ضمیر و قلب، متوجه او است، مجموعه ای از «عناوین اعتباری» است که انسان تبهکار را به خود سرگرم و مشغول کرده است. مجموعه خود خواهی ها است که دنیا را شکل داده است و گرنه شما به آسمان یا زمین بروید، دنیا را پیدا نمی کنید زیرا همه این ها «آیات الهی» اند موجوداتی که تسبیح گوی حق اند و مستقیماً برای عبادت خدای سبحان و به طور غیر مستقیم برای نفع ما خلق شده اند.

«دنیا» یعنی مجموعه عناوین اعتباری که انسان در نهان و نهاد خود بافته و می‌سازد همین من و مایی که برخی به آن مبتلایند: نظر من این است، دلم می‌خواهد فلان کار را بکنم، دلم می‌خواهد این طور بپوشم و... البته می‌توان از شر این‌ها نجات پیدا کرد، این کار شدنی و این راه رفتنی است و همه ما باید بکوشیم با «مراقبت مستمر» آن را طی کنیم.

حضرت امام خمینی (ره) از مجلسی (ره) مطلبی را نقل می‌کند که چکیده آن این است: دنیای مذموم اموری است که انسان را از اطاعت خدا و دوستی او و تحصیل آخرت باز می‌دارد. و هر چه باعث رضای خدای سبحان و قرب او شود دنیای ممدوح و از آخرت محسوب می‌شود. گرچه به حسب ظاهر از دنیا باشد. بنابراین کارهایی مثل تجارت، زراعت، و صنعت که مقصود از آنها معیشت عیال و زندگی است، اگر برای اطاعت امر خدا و صرف کردن آنها در مصارف خیریه و اعانت به محتاجان و غیر آن باشد، همه از آخرت اند گرچه مردم آن را از دنیا دانند. ریاضات مبتدعه و اعمال ربائی، گرچه با زهد و انواع مشقت هم همراه باشد از دنیای مذمومه به حساب می‌آید. سپس خودشان می‌فرمایند: آنچه مذموم است دنیای خود انسان است، (امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴: ۱۱۸ و ۱۱۹)

اگر حب دنیا در دل انسان جاگرفت زندگی دنیا او را مشغول ساخته و در مقابل زر، و زور، بخاطر منفعت دنیایی تسلیم می‌شود و هم در قبال تزویر دیگران زود رنگ می‌بازد. وسوسه های شیطانی که از حب دنیا و خواسته های حیوانی نشئت می‌گیرد در صورت دارا بودن او را به غرور مبتلا میکند چنانکه قرآن کریم در این راستا هوشداری داده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ؛ ای مردم وعده خداوند حق است مبادا زندگی دنیا شما را بفریبد و مبادا شیطان شما را فریب دهد و به (کرم) خدا مغرور سازد» (فاطر/ ۵)

نقطه مقابل حب دنیا، زهد می‌باشد بنابراین زهد و بی‌رغبتی به دنیا هم انسان را از فریب و مکر زر نگه می‌دارد و هم از فریب زور مصئون می‌سازد و هم از فریب تزویر حفظ می‌کند. این نکته در خور دقت است که زهد يك صفت نفسانی است مربوط به دل و باطن انسان است که باید نسبت به دنیا بی‌اعتنا و بی‌رغبت گردد، دنیا را هدف قرار ندهد به عنوان یک وسیله به دنیا نگاه نموده از آن برای پیشرفت و تعالی خودش بهره بگیرد. معنای زهد رهاسازی

ودشمنی بادنیا نیست؛ همانند رهبانیت که مورد سرزنش اولیای الهی و معصومین قرار گرفته است. تلاش برای کسب مال حلال به هدف آسایش فرزند و عیال و پویایی جامعه انسانی و بالندگی جامعه اسلامی و رسیدن به تمدن اسلامی از عبادات بزرگ می باشد و هیچ منافاتی با زهد ندارد.

یکی از راه های کسب زهد عمل به این حدیث است. که امام باقر(ع) به ابو عبیده فرمود: «أَكْثَرُ ذِكْرِ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ لَمْ يُكْثِرْ إِنْسَانٌ ذِكْرَ الْمَوْتِ إِلَّا زَهَدَ فِي الدُّنْيَا»؛ ابو عبیده بسیار یاد مرگ کن زیرا یادآوری مرگ به انسان نمی افزاید مگر زهد در دنیا را» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳۱/۲) بنابراین یکی از عوامل رسیدن به تمدن اسلامی استفاده درست از طبیعت است؛ و آنچه خدا در آن قرار داده و مسخر بشر ساخته. و راه استفاده درست از آن را نیز راهنمایی نموده است، باتوجه به آیات و روایات در این زمینه بدست می آید که نصیب انسان از دنیا و آنچه مجاز استفاده ازان است براساس الگوی اسلامی و قرآنی برای مدیریت معیشت و زندگی و برای کسب ثواب برای آخرت است. تلاش برای پیشرفت و ترقی و احسان برای مردم و جامعه یکی از خواسته های دین مقدس اسلام است که هم برای فرد و هم برای جامعه مفید است. در صورتی با تقوی و تدین همراه باشد و در غیر آن تمدن همان چیزی میشود که در دنیای امروز شاهد آن هستیم. از پیش آهنگان این تمدن کشورهای غربی است که از هر نوع پیشرفت مادی برای به مستعمره کشاندن دیگران استفاده میکنند و از اخلاق، انسانیت و حقوق دیگران هیچ خبری نیست. به همین دلیل با چنین پیشرفت یک جانبه اسلام مخالف است. اسلام برای رسیدن به تمدن اسلامی پیشرفت های انسانی، اخلاقی، علمی در علوم مادی و علوم معنوی همرا با ساخته شدن انسان را پیشنهاد میکند.

## نتیجه گیری

تمدن اسلامی نقطه مقابل تمدن غربی است، در تمدن اسلامی علاوه بر پیشرفت های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و اجتماعی، بامحوریت قرآن توجه ویژه ای به اخلاق و معنویت شده است، در اسلام هرکجا سخن از علم و پیشرفت است. توصیه بر تقوی و نیکی بردیگران و رعایت اخلاق، و اصول انسانی مورد تأکید و توجه ویژه اسلام و قرآن قرار دارد. در آنجایی بر همکاری و تعاون که از عناصر رسیدن به تمدن اسلامی است دستور میدهد میگوید: «همکاری و تعاون شما بر نیکی و پرهیزگاری باشد بر گناه و تعدی و تجاوز بردیگران نباشد» و همینطور بر هر کدام از شاخصه ها و عناصر تمدن ساز انسان ها را دعوت نموده و تشویق میکند در کنارش توصیه های اخلاقی را به صورت جدی گوشزد میکند. تا مبدا پیشرفت های مادی موجب دوری از اخلاق و انسانیت و منجر به درنده خویی نشود. چنانکه در تمدن غربی شاهد آن هستیم. باتوجه به متون اسلامی و سخنان مقام معظم رهبری تمدن نوین اسلامی وقتی شکل میگیرد که مسلمانان علاوه بر کسب علوم و فنون روز، خود را بر اخلاق اسلامی و توجه به خدا و معنویت و رعایت اصول انسانی آراسته سازد. در این راستا حوزه های علمیه به عنوان مربی انسانهای مَهذب و عالم به روز می تواند نقش شایسته ای داشته باشد.

## کتابنامه

- .....
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن، الكامل فی التاریخ/ترجمه، حالت، خلیلی، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱ش.
- ابن خلدون، مقدمه، بیروت، دارالمکتبه الهلال، ۱۹۹۶ق.
- احمدی میانجی، علی، مکاتب الائمہ علیهم السلام، قم، دارالحدیث، اول، ۱۴۲۶ق،
- امام خمینی (ره)، روح الله، اربعین حدیث، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول، ۱۳۹۴.
- امام صادق (ع)، جعفر ابن محمد، مصباح الشریعه، بیروت، اعلمی، اول، ۱۴۰۰ق..
- پاسدار اسلام، شماره ۹۳، شهریور ۱۳۶۸، سخنان مقام معظم رهبری.
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، نشر دنیای دانش، چهارم، ۱۳۸۲ش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی، دوم، ۱۴۱۰ق.
- حدیدی، جواد، اسلام از نظر ولتر، بیجا، مرکز نشر دانشگاهی، پنجم، ۱۳۷۵ش.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ق.
- خامنه ای، علی، بیانات معظم له، در دیدار فرماندهان رده های مختلف سپاه پاسداران، ۱۳۷۳/۶/۲۹.
- خامنه ای، علی، بیانات معظم له در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳/۳/۱۴.
- خامنه ای، علی، بیانات مقام معظم رهبری در جمع اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹/۷/۱۴.
- خامنه ای، علی، پیام معظم له به مناسبت نخستین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹/۳/۱۰.
- ۱۳۶۹.
- خامنه ای، علی، پیام معظم له، به همایش بین المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه ی علمیه قم اردیبهشت ۱۴۰۴، حوزه پیشرو و سرآمد.
- خامنه ای، علی، تلخیص از بیانات معظم له در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۸۹/۷/۲۹.

خامنه ای، علی، در دیدار ایثارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی، ۱۳۷۶/۰۵/۲۹

خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۲۲، صفحه: ۲۵، [بی نا]، [بی جا] - [بی جا]

خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۲۶، صفحه: ۱۱، [بی نا]، [بی جا] - [بی جا]؛ در دیدار طلاب و اساتید مدرسه علمیه آیت الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۳/۲۱.

خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی تهران، سالن اجلاس سران، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹

خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، روشنای آینده، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۹۷.

خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، روشنای آینده، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری در پایان اجلاس دوروزی خبرگان، ۱۳۹۲/۶/۱۴.

خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، روشنای آینده، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷. در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید سعید فطر»، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، بینا، ۱۳۷۸. رادمنش، عزت الله، کلیات عقاید ابن خلدون درباره فلسفه تاریخ و تمدن، تهران، انتشارات قلم، اول، ۱۳۵۷.

سرتماس آرنولد/ آلفرد گیوم، میراث اسلام، ایران، ابن سینا، اول، ۱۳۲۵.

شریف رضی، محمد بن حسن، نهج البلاغه، قم، هجرت، اول، ۱۴۱۴ق.

شهسواری، حسین، درد مشترک، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.

- کلینی محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دارالحديث، اول، ۱۴۲۹ ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳.
- مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیر المومنین علیه السلام، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، اول، ۱۳۸۶ ش.
- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، اول، ۱۴۰۸ ق.
- ویل دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، نشر اقبال، فرانکلین، بینا، سوم، ۱۳۳۷، ۱۲ جلدی.
- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، ع. پاشایی و امیر حسین آریان پور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، بینا، ۱۳۷۶.
- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، انتشارات انقلاب اسلامی، بینا، ۱۳۷۲.

